

قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی (بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور)

فرزانه حاجی قاسمی^{۱*}، نصراله شاملی^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، ایران

۲- استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۵

دریافت: ۹۵/۹/۷

چکیده

چشم، مهم‌ترین اندام جسمانی به‌شمار می‌رود که کاربرد آن، دریافت داده‌های گوناگون از محیط بیرونی، ذخیره آن در لایه‌های سه‌گانه ذهن (تخیل، توهم و تعقل) و شکل‌گیری شناخت است. فعل «رأی» (دیدن)، به‌عنوان کار اصلی چشم، در ترکیب‌های هم‌نشینی گوناگون می‌تواند گستره معنایی خود را وسعت بخشد و علاوه بر دیدن بیرونی، بر دیدن درونی مانند دانستن نیز دلالت کند. بر همین اصل، در برگردان فارسی و تفسیر آیات باید به شبکه معنایی و بافت زبانی توجه نمود. در قرآن کریم، بنابر اهمیت توانایی بنیادی انسان در مسیر رسیدن به شناخت مفاهیم پیچیده ذهنی و غیر مادی، فعل مذکور کاربرد وسیعی داشته‌است. زین رو، جستار حاضر سعی خود را بر آن گذاشته‌است تا با رویکرد زبان‌شناسی شناختی و با استناد به روش وصفی - تحلیلی، قالب‌های معنایی فعل «رأی» را بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور، در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی آن (مکارم‌شیرازی، ارفع، پورجوادی، خرم‌دل، الهی‌قمشه‌ای و صفارزاده) بررسی و تحلیل نماید. در نمونه‌های قرآنی مورد بررسی، فعل «رأی» دارای یک قالب معنایی دیداری - ادراکی به‌عنوان قالب معنایی مرکزی و چهار قالب شناختی باورداشتن، شناختن و دانستن، مشاهده‌کردن و درک‌کردن است که پایه ابتدایی آن، همان دیدن ظاهری با چشم سر می‌باشد. دستاورد پژوهش، بیان‌گر آن است که مترجمین در برگردان فارسی قالب معنایی مناسب با بافت زبانی آیات به خوبی عمل نکرده‌اند؛ ضمن آن که به تفاوت معنایی میان معادل‌های فارسی هم‌معنا مانند دیدن و مشاهده‌کردن، نیز دقت لازم را مبذول نداشته و گاهی به‌جای یکدیگر به‌کار برده‌اند.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، زبان‌شناسی شناختی، نظریه معناشناسی قالبی، چارلز فیلمور، فعل دیدن

۱- مقدمه

در فرآیند برگردان متن مبدأ به مقصد، نظر به این که توجه به بافت زبانی حائز اهمیت است، ظرافت‌های ویژه‌ای وجود دارد که عدم عنایت مترجم بدان‌ها، ممکن است تفاوت‌های مفهومی را در متن برگردانده شده ایجاد کند. لذا، ترجمه متون دینی از جمله قرآن کریم، عنایت دو چندانی را می‌طلبد. مترجمان با تمام تلاشی که در حفظ هدف و موضوع متن قرآن کریم (مبدأ) داشته‌اند؛ اما به هنگام ترجمه، به بافت زبانی و گفتاری آن و معادل‌یابی واژگان فارسی (مقصد)، توجه چندانی ننموده‌اند.

بنابراین، بر مترجم لازم و بایسته است، به هنگام ترجمه آیات قرآنی به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری، صرفاً به معنای قاموسی واژگان به کاررفته در متن مبدأ، اکتفا نکند؛ بلکه براساس پیوند هم‌نشینی که در بافت زبانی با یکدیگر دارند، معنای آن‌ها را به دست آورند. آنگاه در مرحله برگردان، دقت داشته باشند که معنای به دست آمده در زبان فارسی (مقصد) به چه صورت به کار می‌رود. در حقیقت، باید به ظرافت‌ها و تفاوت‌های معنایی میان واژگان هم‌معنا در زبان فارسی نیز اهتمام بورزند.

دانش زبان‌شناسی با دربرداشتن زیرمجموعه‌ها و نظریه‌های گوناگون در خصوص ساختار واژگان و کاربست متنوع آن‌ها در بافت زبانی، جهت دستیابی به مفاهیم نو و تازه، ظرفیت آن را دارد که مترجمان در نحوه عملکردشان در برگردان فارسی آیات قرآنی، بدان اهتمام لازم را مبذول دارند.

۱-۱- بیان مسئله

بنابر اهمیت پیوند واژگان در بافت زبانی و توجه داشتن به تفاوت‌های معنایی میان واژگان هم‌معنای یک زبان، در فرآیند برگردان متن قرآن کریم به فارسی، برآن شدیم تا در این جستار با رویکرد زبان‌شناسی شناختی و بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور، قالب‌های معنایی فعل «رأی» را ابتدا در بافت زبان عربی، سپس در برگردان فارسی

مکارم شیرازی، ارفع، پورجوادی، خرم‌دل، صفارزاده و الهی‌قمشه‌ای بررسی و تحلیل نماییم. در حقیقت، پژوهش پیش‌رو سعی دارد نحوه به‌کارگیری مباحث شناختی و ذهنی^۱ را که در آفرینش و کاربست واژگان در بافت زبانی نقش مهمی را ایفاگر هستند، در فرآیند ترجمه از مبدأ به مقصد بیان کند؛ و در خلال آن به این پرسش که «آیا فعل «رأی» در هر بافت از آیات قرآنی در معنای مرکزی و سرنمونه خود، به‌کار رفته‌است؟» و «آیا مترجمان در برگردان فارسی فعل «رأی» در بافت آیات منتخب، به نقش هم‌نشینی و پیوند واژگان با یکدیگر، دقت لازم را داشته‌اند؟» پاسخ دهد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی بر روی قرآن کریم با رویکردهای متفاوت زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی انجام شده‌است؛ اما درخصوص بررسی حوزه شبکه معنایی فعل «رأی» با استناد به نظریه معناشناسی قالبی، پژوهشی صورت نگرفته و همچنین برگردان فارسی این فعل و مشتقات آن تاکنون مورد بحث و بررسی واقع نشده‌است. از جمله پژوهش‌های انجام شده با رویکرد معناشناسی و ترجمه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- «تحلیل معناشناختی «قرب إلى الله» در قرآن کریم» از اسماعیل علی‌خانی، فصلنامه قرآن شناخت سال ۱۳۸۹، سال سوم، شماره ۱، نویسنده در این جستار در پی آن است تا با استناد بر رویکرد معناشناختی مفاهیم نو و تازه‌ای را که می‌توان از واژه «قرب» برداشت کرد، بیان کند. یافته بررسی او، بیان‌گر این است که کاربرد واژه «قرب» در کنار نام «الله» معنایی ذومراتب یعنی مفهومی غیر از آنچه متداول بوده‌است، در خود دارد.

- «بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان» از مریم پورافخم و مهرداد عباسی، فصلنامه اعتقادی - کلامی سال ۱۳۹۱، سال دوم، شماره ۵، این پژوهش به معرفی مبانی ایزوتسو در مفاهیم اخلاقی قرآن، دو گانگی بنیادی اخلاق از نگاه قرآن، معناشناسی همزمانی و روش‌های ایزوتسو در فهم مفاهیم قرآنی پرداخته و آن را بر مفهوم ایمان در قرآن کریم به‌کار بسته‌است.

- «ترجمه معنانشناختی عناصر فعلی-اسمی در قرآن» از رضا امانی، شیدا کریمی و سیده زهره صالحی اوروزکی، فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث سال ۱۳۹۳، این مقاله ترجمه‌های ارائه‌شده برای عبارات اسمی و فعلی آمده در آیات قرآنی را با توجه به نقش عنصر زمان در فعلی یا اسمی بودن عبارت بررسی نموده‌است؛ و در زمینه شبکه معنایی واژگان قرآن کریم مقاله «رسم شبکه معنایی Semantics واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن» از خیریه عچرش و مرضیه کهندل جهرمی، فصلنامه مطالعات قرآنی سال ۱۳۹۴، اشاره‌ای داشت.

این جستار رابطه سیستماتیک واژه فتنه را با دیگر واژگان به‌کار رفته آیات قرآنی، بررسی کرده و برای هر یک از اهداف فتنه، شبکه معنایی طرح نموده‌است.

۱-۳- روش پژوهش

در این پژوهش برآنیم تا با تکیه بر روش وصفی - تحلیلی، استناد به ساختار دانش دائرةالمعارفی^۲ و استفاده از فرهنگ لغات مستند عربی مانند المنجد، الوسیط، المکنز و همچنین با مراجعه به فرهنگ لغت عربی - فارسی آذرنوش آذرتاش، فعل‌هایی که در زبان عربی برای مفهوم «رأی» استعمال می‌شود را استخراج کنیم و بار معنایی هر یک را با در نظر داشتن قالب‌های معنایی بررسی نماییم و قالب‌های معنایی اتخاذشده در برگردان فارسی آیات ۲۸ یوسف، ۱۲۶ توبه، ۶ سبأ، ۱۷۶ انعام و ۵۴ یونس را از مکارم‌شیرازی، ارفع، پورجوادی، خرم‌دل، صفارزاده و الهی‌قمشه‌ای بر پایه نظریه معنانشناسی قالبی چارلز فیلمور بررسی و تحلیل کنیم.

این امر گویای آن خواهد بود که مترجمان در برگردان فارسی آیات منتخب تا چه میزان به شبکه معنایی فعل «رأی» در بافت زبان عربی و به تفاوت معنایی واژگان هم‌معنا در زبان فارسی که به‌عنوان معادل عربی انتخاب کرده‌اند، توجه داشته‌اند. لازم به ذکر است که پس از بررسی ۱۸ ترجمه قرآنی (مکارم‌شیرازی، آیتی، بهرام‌پور، انصاریان، خرمشاهی، مجتبیوی،

دهلوی، ارفع، صفارزاده، پورجوادی، تشکری آرانی، فولادوند، مصباح‌زاده، قرائتی، خرم‌دل، الهی قمشه‌ای، معزی و صادقی تهرانی)، شش ترجمه برگزیده، به جهت متفاوت عمل کردن در ارائه برگردان فارسی مفهوم «رأی» انتخاب شده‌اند.

۲- مباحث نظری

۲-۱- زبان‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی^۳ شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که در طول سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی به‌عرصه ظهور رسید. این مکتب زبانی، از علوم شناختی که به ذهن انسان می‌پردازد و روانشناسی گشتالتی^۴ که نقطه مرکزی آن، ادراک نتیجه تعامل درون‌داد محیطی و پردازش ذهنی می‌باشد، سرچشمه گرفته است (Evans & Green, 2006, p. 3)؛ و با علوم دیگری چون عصب‌شناسی، هوش مصنوعی، فلسفه و نقد ادبی در ارتباط است. لذا، به‌دنبال پیوند با علوم شناختی و به‌کارگیری داده‌های شناختی در جهت بررسی بافت‌های زبانی، یکی از مهم‌ترین مکاتب دانش زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود.

داشتن چنین تعامل گسترده‌ای با دیگر علوم، سبب شده است تا قابلیت انعطاف‌پذیری به خود بگیرد و رابطه زبان انسان را با شناخت وی از جهان پیرامون بررسی و تحلیل نماید؛ چرا که «زبان، الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند» (Croft & Cruse, 2004) و از زاویه نگاه زبان‌شناسی شناختی «زبان، یک قوه ذهنی غیرحوزه‌ای^۵ و وابسته به دیگر قوای ذهنی است» (Langacker, 1987).

«شناخت»^۶ انسان از اصلی‌ترین اصول زبان‌شناسی شناختی به‌حساب می‌آید و براساس آن، معنا و مفهوم زبانی، درک^۷ و دریافت می‌شود. لازم به ذکر است که از نگاه دانش فلسفه، شناخت، بر دیدن جزئیات و ویژگی‌های صفاتی و فعل‌شیء^۸ اطلاق می‌شود. در حقیقت، انسان با به‌کار بستن توان ذهنی و تجربیات گوناگون به‌دست‌آمده در پی تعامل و برخورد مادی با پیرامون - از طریق حواس پنجگانه - در جهت مفهوم‌سازی و بیان اندیشه‌های نو،

گام برمی‌دارد. تفاوت داشتن تجربه و به دنبال آن، ایجاد ذهنیتی غیرمشابه با بقیه و یا حتی عدم تشابه میان اقوام و فرهنگ‌ها در استعمال واژگان یکسان در معانی غیر یکسان، سبب اصلی شکل‌گیری مفاهیم جدید واژگان در بافت‌های زبانی است.

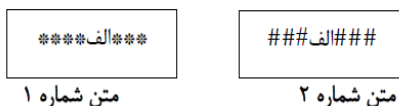
یکی از مباحث مهم مطرح‌شده در زبان‌شناسی شناختی، شبکه شعاعی^۹، هم‌معنایی^{۱۰}، چندمعنایی^{۱۱} و دانش دائرةالمعارفی است. اصطلاح شبکه شعاعی برای نخستین بار سال ۱۹۸۸ میلادی توسط جورج لیکاف^{۱۲} و بروگمان^{۱۳} به‌عنوان مدلی، جهت بررسی ساختار معنایی واژگان، ارائه شد.

در چارچوب شبکه شعاعی، هر واژه یک معنای مرکزی^{۱۴} یا پیش‌نمونه دارد که بر پایه آن، معانی جدید و حاشیه‌ای به طرق مختلفی مانند استفاده از صنایع ادبی چون استعاره، مجاز، کنایه و غیره، تولید می‌شود. بنابراین شبکه‌ای از معانی شکل می‌گیرد و تعدد معانی حاصل می‌شود.

نکته حائز اهمیت که اصطلاح شبکه شعاعی و هم‌معنایی، در معناشناسی شناختی بدان اشاره دارند، آن است که هر واژه می‌تواند در بافت‌های گفتاری متفاوت، قالب معنایی^{۱۵} و مفهومی مختلف و غیر از معنای مرکزی خود، داشته باشد. بنابراین، بافت موقعیتی گفتار، در بسط معنایی قاموسی واژگان تأثیر به‌سزایی دارد. معنای یک واژه با در نظر داشتن دیگر واژگان مرتبط با آن، شناخته می‌شود.

لذا نمی‌توان معنای برداشت‌شده از واژه الف را در متن شماره ۱، به همان واژه در متن شماره ۲ نسبت داد - همان‌طور که در تصویر ذیل گویاست؛ زیرا یک واژه در دو بافت گفتاری مختلف به کار رفته است.

(شکل شماره ۱)



۲-۲- فیلمور و نظریه معناشناسی قالبی

نکته مذکور، در نظریه معناشناسی قالبی^{۱۶} که توسط چارلز فیلمور^{۱۷} (۱۹۷۵، ۱۹۷۷، ۱۹۸۲) ارائه شد^{۱۸}، قوت بیشتری پیدا کرد. طبق این نظریه، هر فعلی برای تحقق یافتن نیازمند عناصری است که در صورت ناقص بودن، آن فعل محقق نمی‌شود و مفهوم برداشت شده از آن با حوزه معنایی مرکزی تفاوت خواهد داشت.

فیلمور و آتکینز^{۱۹} در سال ۱۹۹۲ میلادی قالب معنایی افعال تجارتي را مطرح کردند. از جمله فعل‌هایی که آن‌ها بدان پرداختند، فعل «خریدن» است. عناصری که باید فراهم باشد تا فعل خریدن صورت گیرد، عبارتند از: خریدار (فاعل اول)، کالا (مفعول اول)، فروشنده (فاعل دوم) و پول (مفعول دوم). در کنار فعل خریدن، فعل فروختن را نیز ذکر می‌کنند؛ فعل فروختن عناصر فعل فروختن را نیاز دارد تا تحقق پذیرد اما نسبت به فعل خریدن با تفاوتی همراه است؛ تفاوت مدنظر، تغییر روابط حاکم بر عناصر است که با تغییر معنایی - مفهومی توأم می‌باشد.^{۲۰}

فیلمور، قالب را ساختار شناختی می‌داند که به شیوه «پیش‌انگاری^{۲۱}» سعی دارد مفاهیم رمزگذاری شده را دریابد. «پیش‌انگاری به عنوان یکی از روش‌های درک و استخراج حقایق ناگفته بوده که در اختیار مخاطب است؛ بدین صورت که برحسب اطلاعات موجود در یک جمله می‌توان به اطلاعات دیگری دست یافت» (مادشاهیان، ۱۳۹۴: ۱۰۸) و همچنین فیلمور براین باور است که هر یک از قالب‌های معنایی واژه، طرحی از تجربه است که در حافظه بلندمدت شخص حضور دارد (راسخ‌مهند، ۷۹). بنابراین، تفاوت معنایی - مفهومی هم‌معناها نتیجه تغییر رابطه حاکم بر عناصر فعلی است و از همین رو، نمی‌توان در هر ترکیب زبانی، هم‌معناها را جایگزین یکدیگر کرد.

به بیان ساده‌تر، آنچه مترجم را در برگردان ترکیب‌های زبانی یاری می‌رساند و سبب می‌شود تا با دقت بیشتری، میان هم‌معناها - چه در زبان مبدأ و چه در زبان مقصد - تفاوت قایل شود، توجه به رابطه عناصر فعلی در بافت گفتاری و ترکیب واژگانش است؛ گرچه، با

در نظر داشتن تفاوت‌های ساختاری زبان مبدأ و مقصد، لازم می‌شود مترجم با اندکی دخل و تصرف در صورت و معنا، مفهوم کلی ترکیب زبانی را در متن برگردان، نشان دهد. با این وجود، «مطلوب‌ترین برگردان زمانی تحقق می‌یابد که انتقال مفاهیم با حداقل افزایش یا کاهش در صورت و معنی تحقق پذیرد» (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۵۳).

۲-۳- هم‌معنایی و چندمعنایی

مقوله «هم‌معنایی» واژگان، از جمله مباحثی به‌شمار می‌رود که معناشناسی شناختی بدان پرداخته‌است. بر پایه مقوله هم‌معنایی، می‌توان واژه‌ای را در یک بافت زبانی - گفتاری، بی‌آن‌که تغییری در معنا حاصل شود، جایگزین واژه هم‌معنایش کرد. البته لازم به ذکر است که هم‌معنایی مطلق در هیچ زبانی وجود ندارد و این تعریف که برخی از واژگان، هم‌معنا و مترادف هستند یک امر نسبی است نه مطلق^{۲۲}.

در واقع، بافت گفتاری و ترکیب رابطه هم‌نشینی واژگان، این امکان را فراهم می‌سازد تا واژگان مختلف بتوانند متناسب با مفهوم بافت کلام، هم‌معنا به‌نظر آیند و به‌جای یکدیگر استعمال شوند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

بنابراین، هم‌معناها ترکیبی از «دو یا چند صورت، با رابطه معنایی خیلی نزدیک که اغلب - و نه همیشه - در جمله‌ها قابل جانشینی با همدیگرند»، هستند. همان‌طور که گفته شد، هم‌معنایی و یا تشابه معنایی لزوماً بدین معنا نیست که می‌توان از واژگان هم‌معنای یک واژه در ترکیب‌های دیگر زبانی استفاده کرد؛ زیرا با وجود رابطه معنایی مشابه، تفاوت‌های معنایی - مفهومی ظریفی با یکدیگر دارند که آن‌ها را از هم جدا می‌کند (یول، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

دیگر اصطلاحی که معناشناسی شناختی آن را در حوزه کاری خود قرار داده، اصطلاح چندمعنایی است. مراد از چندمعنایی بودن واژه، آن است که دارای چندین معنای مرتبط باهم، می‌باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به واژه «روی» در زبان فارسی اشاره کرد:

(۱) کتاب روی میز است. (۲) قالیچه روی دیوار آویزان است. (۳) گنجشک روی شاخه نشسته است.

اصطلاح چندمعنایی، ما را وارد مقوله شعاعی زبان‌شناسی شناختی و به تبع آن، معناشناسی شناختی می‌کند. «مقوله شعاعی، مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی سازمان‌بندی شده‌اند (Green, 2006, p 331 & Evans) و این مفاهیم به‌طور شعاعی و شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط هستند. این ارتباط از طریق شناخت انسان به‌صورت طرحواره‌های تصویری^{۲۳}، عبارت‌های استعاری^{۲۴} و مجازی، دائرةالمعارفی، و فضا‌های ذهنی^{۲۵}، در بافت گفتاری و زبانی ظاهر می‌شوند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

۳- بحث و بررسی

۳-۱- شبکه شعاعی معنایی فعل «رأی»

«دیدن» از جمله افعالی است که فرد را قادر می‌سازد تا با کمک چشم، به‌عنوان مهم‌ترین عضو جسمانی، به جمع‌آوری اطلاعات و افزایش آگاهی نسبت به اموری که در محیط پیرامونی در جریان هستند، پردازد و بدین طریق تجارب نو و تازه‌ای را در اختیار داشته باشد. بر پایه همین تجارب ملموس و فیزیکی که انسان در طول حیات خویش بر روی کره زمین به‌دست می‌آورد، قالب‌های معنایی هر واژه در بافت‌های زبانی گوناگون، دائماً در حال تغییر است و به این ترتیب گستره معنایی وسیعی را از آن خود می‌کند. به بیانی دیگر، «ارزش‌ها، عقاید و باورهای ما به‌طور افزاینده‌ای به روش‌های قدرتمندی توسط فرم‌های دیداری که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شویم، شکل می‌گیرند» (Sturken & Cartwright, 2001 نقل از کهنوند و عادل، ۱۳۹۰، ص ۷-۶).

دائرةالمعارف و فرهنگ‌های لغت در هر زبانی با گردآوری مترادفات معنایی (قاموسی) هر واژه، شناخت قالب‌های معنایی متفاوتی را برای اهل زبان و زبان‌آموزانی که به یادگیری آن روی می‌آورند، فراهم کرده است. در زبان عربی برای فعل «رأی» مترادفات ذیل آمده است:

أَبْصَرَ، عَايَنَ، آنَسَ، شَاهَدَ، نَظَرَ، تَأَمَّلَ، تَوَسَّم، تَفَرَّسَ، حَمَلَقَ، رَمَقَ، رَاقَبَ، لَاحَظَ، لَمَحَ، بَصَرَ، رَنَا إِلَى، تَطَلَّعَ إِلَى، وَقَعَ بَصَرُهُ عَلَى، أَدَامَ النَّظَرَ، وَجَدَ، اعْتَقَدَ، رَكَّزَ، أَثْبَتَ، ظَنَّ، عَرَفَ (إسماعیل صینی، ۱۴۱۴ و سید احمد، ۱۴۲۹ و معجم المعانی، ماده رأی).

هریک از مترادفاتی که برای فعل «رأی» در زبان عربی ذکر شده است، تفاوت‌هایی با یکدیگر و همچنین تفاوت‌هایی با خود فعل «رأی» دارند. در حقیقت، نمی‌توان به‌طور حتم گفت در هر بافت زبانی - گفتاری می‌شود براساس رابطه هم‌نشینی و جانشینی، یکی از مترادفات مذکور را به‌جای فعل «رأی» گذاشت؛ بلکه باید متناسب با بافت گفتاری متن، دست به انتخاب واژگان جایگزین زد.

در همین راستا، توشیهیکو ایزوتسو معناشناس ژاپنی، دو سطح معنایی برای هر واژه در نظر گرفته است؛ یکی، معنای اساسی که همان معنای قاموسی واژگان می‌باشد و دیگری، معنای نسبی است که هر واژه متناسب با پیوند هم‌نشینی با دیگر واژگان در بافت‌های گفتاری گوناگون، از خود نشان می‌دهد (ایزوتسو، ۲۰۰۷: ۵۰ - ۴۳).

بنابراین، قالب معنایی هر واژه‌ای متناسب با بافت زبانی - گفتاری که در آن به‌کار رفته است، برداشت می‌شود. «باید گفت حتی در یک زبان، تمام کلمات مشابه و مترادف، هرکدام بار معنایی خاص خود را دارد.

این مسئله در مورد ساختارهای جملات نیز صادق است، یعنی وقتی ساختار جمله عوض می‌شود بار معنایی آن نیز تفاوت پیدا می‌کند و همین تفاوت که گاهی بسیار جزئی هم می‌تواند باشد، باعث می‌شود که هیچ دو جمله‌ای در یک زبان با دو ساختار متفاوت و واژگان مشابه یا مترادف، برابری و یا مطابقت کامل نداشته باشد» (منافی اناری، بی‌تا: ۸۵).

از این رو، قالب‌های معنایی فعل «رأی» که به زبان فارسی برگردانده شده در نمودار شبکه‌ای ذیل آورده شده است^{۲۶}:

(شکل شماره ۲)



نکته مهمی که در نمودار فوق وجود دارد؛ ارتباطی است که میان قالب‌های معنایی فرعی و قالب معنایی مرکزی یعنی دیدن با چشم سر است. درحقیقت، لازمه شکل‌گیری قالب‌های معنایی جدید، دیدن با چشم سر است. حتی می‌توان دیدن با چشم را در ذهن تصور کرد و به‌گونه‌ای با مسائل پیرامون، برخورد کرد که گویی قابل دیدن هست. یکی از معادل‌هایی که برای فعل «رأی» در فرهنگ لغت گفته شده، «رأی أن» است. نمودار زیر نشان می‌دهد که فعل «رأی» در زبان عربی با همراه شدن با حرف «أن» در برگردان فارسی، قالب معنایی تازه‌ای را به قالب معنایی مرکزی اضافه می‌کند.

(شکل شماره ۳)



هریک از قالب‌های معنایی مذکور، ضمن مشابه بودن، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که تنها در بافت گفتار مشخص می‌شود و این امر، «در چارچوب کاربردشناسی زبان، تحت عنوان گوناگونی در ترجمه مطرح است» (صفوی، ۱۳۷۱: ۳۹).

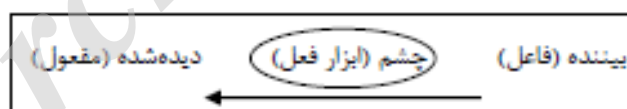
لذا، طبق چارچوبی که اصطلاح هم‌معنایی آن را تعیین کرد، نمی‌توان قالب‌های معنایی را جایگزین یکدیگر نمود. با توجه به محور اصلی زبان‌شناسی شناختی که به دور شناخت و معرفت ذهنی انسان براساس تجارب فیزیکی و ملموس می‌چرخد؛ نقش تجارب مادی را در میزان کاربرد قالب‌های معنایی معین‌شده فعل «رأی» و برگردان فارسی آن، در آیات قرآنی به‌خوبی خواهیم دانست.

۳-۲- برگردان فارسی قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم

۳-۲-۱- قالب دیداری - ادراکی

براساس گفته فیلمور - لازمه وجود ارکان اصلی جهت تحقق یافتن هر فعل، برای محقق شدن فعل دیدن سه عنصر اصلی نیاز است که اگر نباشد و یا رابطه میان آن‌ها دچار خدشه شود؛ فعل دیدن هرگز انجام نمی‌شود و در صورت محقق شدن، معنای مورد نظر را شامل نخواهد شد. این سه عنصر و رابطه آن‌ها در جهت تحقق قالب دیداری - ادراکی فعل «رأی» به قرار ذیل است:

(شکل شماره ۴)



باتوجه به آن‌که عنصر محوری در قالب دیداری - ادراکی فعل «رأی»، چشم، به‌عنوان مهم‌ترین عضو جسمانی انسان است؛ لذا، حوزه معنایی دیداری، لازمه یک فعل کاملاً مادی و ظاهری محسوب می‌شود.

«موضوعات مورد توجه فرهنگ دیداری، شامل طیف‌های گوناگون تولید و دریافت تصویر است و تجارب همه‌روزه ما از دیدن و دیده شدن (به‌ویژه تجارب مستقیم و بی‌واسطه)

قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی ... _____ فرزانه حاجی‌قاسمی و نصراله شاملی

را دربرمی‌گیرد... [پس] مقوله‌هایی همچون دیدن، دیدوارگی^{۲۷}، انگاره و تصویر، قابلیت‌های پنهان روان‌شناختی و ناخودآگاه دیداری را در مطالعات دیداری آشکار می‌سازد و به همین اعتبار عناصر اصلی تجربه‌های دیداری به‌شمار می‌روند» (کهوند و عادل، ۱۳۹۰: ۷).

این قالب معنایی را می‌توان با توجه به آیه ۲۸ سوره یوسف تبیین کرد:

۱- ﴿فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ﴾ (یوسف / ۲۸)

هنگامی که [عزیز مصر] دید پیراهن او [یوسف] از پشت پاره شده، گفت: این از مکر و حیله شما زنان است؛ که مکر و حیله شما زنان، عظیم است! (مکارم‌شیرازی)
در این آیه فعل «رأی» (دیدن) بر روی پیراهن یوسف (قمیصه) که یک پدیده مادی و ملموس می‌باشد، واقع شده است ضمن آن‌که با توجه به آیات پسین، فاعل آن، عزیز مصر، یعنی یک انسان است که با در اختیار داشتن ابزار دیدن (چشم) فعل دیدن را محقق ساخته است.

لذا، با در نظر داشتن رابطه هم‌نشینی فعل «رأی» با دیگر واژگان چون فاعل مادی، مفعول مادی، ظرف زمان لَمَّا؛ در قالب معنایی دیداری - ادراکی به‌کار رفته است.
نکته دیگری که در بافت زبانی آیه بر قالب معنایی دیدنِ ظاهری و نگریستن (دیدنِ ارادی، بی‌دقت، بدون هدف و غیر کنترل‌شده) دلالت می‌کند؛ ظرف زمانی لَمَّا است.

(جدول شماره ۱)

ساختار دستوری	فعل (رأی) + فاعل (هو مستتر) + مفعول (قمیصه)
نوع فعل	رویدادی
قالب معنایی	دیداری
نقش معنایی	(۱) بیننده؛ (۲) دیده‌شده؛ (۳) چشم، وسیله دیدن و دیده‌شدن

همان‌طور که در جدول ذیل مشخص شده است، فعل «رأی» در هر شش ترجمه انتخاب شده، متناسب با بافت زبانی آیه و در معنای مرکزی آن به‌کار رفته است.

(جدول شماره ۲)

برگرداننده به فارسی	برگرداننده شده	برگرداننده به فارسی	برگرداننده شده
مکارم شیرازی	دید	پورجوادی	دید
ارفع	دید	الهی قمشه‌ای	دید
خرمدل	دید	صفارزاده	دید

۳-۲-۲- قالب معنایی باورداشتن

۱- ﴿أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْثُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ﴾ (توبه/ ۱۲۶)
 آیا آن‌ها نمی‌بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! باز توبه نمی‌کنند، و متذکر هم نمی‌گردند! (مکارم شیرازی)

فعل «رأى» به کاررفته در آیه فوق، با توجه به آن‌که با حرف «أَنَّ» همراه شده، بر قالب معنایی باورداشتن دلالت می‌کند. رابطه میان قالب معنایی مرکزی فعل «رأى» و قالب معنایی جدیدش آن است که لازمه به یقین رسیدن، دیدن با چشم سر و نگاه کردن مستمر و با دقت است.

از این رو، گاهی فرد برای آن‌که دانش خود را نسبت به یک امر غیر محسوس، بیان کند از افعالی استفاده می‌کند که برای امور ملموس و عینی به کار گرفته می‌شود؛ مانند دیدن که با ابزار چشم صورت می‌گیرد. با این هدف که آگاهی خویش را از آن امر انتزاعی غیر محسوس، به گونه‌ای به مخاطب انتقال دهد که برای او قابل درک و محسوس باشد. وی با این عملکرد، مفهوم اساسی و اصلی برداشت شده از یک واژه را برای بیان مفهومی دیگر و یا برای مفاهیم به دست آمده پس از محقق شدن مفهوم اولیه، به عاریت می‌گیرد و در یک بافت گفتاری جدید، با مفهومی نو به کار می‌بندد.

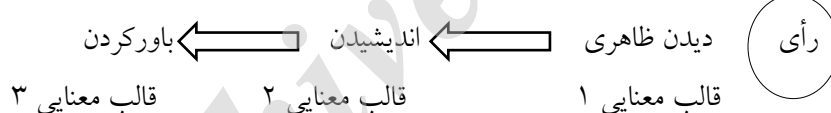
آزمایش شدن انسان در دنیای خاکی از سوی پروردگار جهان، امری انتزاعی و غیر مادی به شمار می‌رود که ممکن است به شیوه‌های گوناگون مانند گرفتار شدن، از دست دادن نعمت، بیمار شدن و غیره بر آدمی ظاهر شود. بنابراین، زمانی انسان به این باور می‌رسد که حوادث رخ داده، آزمایشی از جانب خداوند است که با چشم ذهن بدان‌ها بنگرد. از همین رو، لازمه

قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی ... _____ فرزانه حاجی قاسمی و نصراله شاملی

و پایه اصلی باورکردن، فعل دیدن است. در حقیقت، آدمی با چشم سرنشانه‌های آزموده شدن از سوی پروردگار را می‌بیند و براساس دیده‌های خویش (آگاهی‌های به‌دست‌آمده) به مرحله باور می‌رسد.

در تفسیرالمیزان، در ذیل آیه شریفه چنین آمده‌است: «چرا ایشان تفکر نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند، با این‌که می‌بینند در هر سالی یک یا دو بار مورد امتحان قرار می‌گیرند و در همه نوبت‌ها از امتحان مردود گشته و نمی‌توانند از امتحان خدائی بیرون آیند، و توبه نمی‌کنند و متذکر نمی‌شوند، و اگر در این باره فکر می‌کردند قطعاً بیدار می‌شدند و وظیفه واجب و حیاتی خود را تشخیص می‌دادند، و یقین‌شان می‌شد که ادامه این کفر و نفاق باعث می‌شود هر سالی که بگذرد پلیدی تازه‌ای بر پلیدی‌هایشان افزوده گشته، سرانجام هلاکت دائمی و خسران ابدیشان حتمی شود».

با توجه به تفسیر، باید گفت که فعل «رأی» در این آیه از دو قالب معنایی (دو بافت زبانی - گفتاری متفاوت) گذر کرده تا به قالب معنایی سوم یعنی باوردداشتن و به‌یقین رسیدن، رسیده‌است.



به بیانی دیگر، انسان با استمداد از تجارب فیزیکی کسب‌شده در طول زندگی و در خلال تعامل با امور مادی از طریق حواس پنجگانه به‌ویژه حس بینایی، به امور معنوی و اتفاقاتی که رخ می‌دهد می‌اندیشد و آن‌ها را در ذهن تجسم می‌کند. لذا، ترجمه پیشنهادی آیه، استفاده از قالب معنایی باورکردن و به‌یقین‌رسیدن است.

نکته قابل توجه دیگری نیز در آیه شریفه وجود دارد که با در نظر داشتن رابطه هم‌نشینی می‌توان قالب معنایی باوردداشتن را برای فعل «رأی» اثبات کرد و آن عبارت، «ولا هم

یذَّکرون» است. فعل «یذَّکَر» از افعال ادراکی محسوب می‌شود که با درک و قوه تأمل و تعقل انسان سروکار دارد.

(جدول شماره ۳)

ساختار دستوری	فعل (یری) + فاعل (ضمیر بارز واو) + مفعول (أَنَّهُمْ).
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	باور کردن، به یقین رسیدن، اعتقادداشتن
نقش معنایی	۱) باورکننده؛ ۲) باور شده؛ ۳) ذهن، وسیله باور کردن

ترجمه‌های آورده شده در جدول ذیل، به خوبی نشان می‌دهد که مترجمان منتخب، به بافت زبانی که فعل «رأی» در آن به کاررفته، عنایتی نداشته‌اند و به قالب معنایی مرکزی و یا همان معنای اساسی آن - اصطلاحی که ایزوتسو انتخاب کرد - اکتفا کرده‌اند. در صورتی که می‌بایست ساختار پیوندی واژگان با یکدیگر را مدنظر قرار می‌دادند تا قالب معنایی جدید «رأی» و یا معنای نسبی آن، یعنی به‌باور رسیدن، به دست می‌آمد و ترجمه دقیق‌تری ارائه می‌شد.

(جدول شماره ۴)

برگرداننده	برگرداننده شده	برگرداننده به فارسی	برگرداننده شده
مکارم شیرازی	نمی‌بینند	پورجوادی	نمی‌بینند
ارفع	نمی‌بینند	الهی قمشه‌ای	نمی‌بینند
خرم‌دل	نمی‌بینند	صفا زاده	نمی‌بینند

۳-۲-۳- قالب معنایی شناختن/دانستن / یافتن

۱- ﴿وَيُرِي الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (سبأ/ ۶)

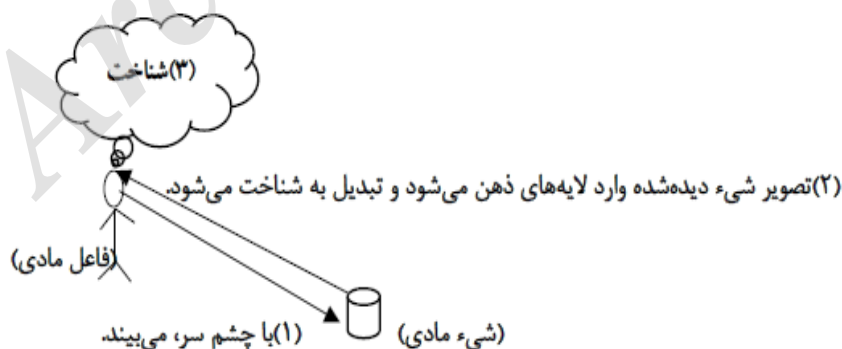
کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می‌دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می‌کند. (مکارم شیرازی)

فعل «یری» در آیه فوق، با توجه به هر دو مفعول به آن— اسم موصول «الذی» و «الحق»^{۲۸}— در قالب معنایی شناختن، دانستن و یافتن به کار رفته است. به بیان ساده‌تر، در برگردان فارسی فعل دو مفعولی «رأی»، بهتر آن است که از فعل دانستن، یافتن و یا شناختن استفاده کرد. در زبان فارسی، فعل نخست متناسب با بافت گفتار، گاه گذرا به دو مفعول می‌شود؛ مانند «مردم وی را ریش سفید دانستند»، «خواجه دانست که من عاشقم و هیچ نگفت / حافظ از نیز بداند که چنینم چه شود» (حافظ، غزل ۲۲۸).

فعل یافتن هم، به صورت گذرا به دو مفعول استعمال می‌شود مانند «دوستانش او را خوش رفتار یافتند». فعل شناختن نیز می‌تواند در بافت گفتار، مفعول دوم را با واسطه (با حرف اضافه) بگیرد مانند «کوکب خانم را به عنوان مادر خود، شناخت»؛ اگرچه لازمه دانستن، یافتن و شناختن، دیدن ظاهری است. بنابراین، واژه «یری» از قالب معنایی مرکزی که دیدن با چشم سر است، گذر کرده و به قالب معنایی جدید که شناختن و فهمیدن (امور ذهنی و انتزاعی) است، رسیده است.

تصویر آنچه دیده شد (یک امر محسوس)، به لایه نخست ذهن (قوه تخیل)، وارد می‌شود و پس از گذر از لایه دوم (قوه وهم) در لایه آخر (قوه تعقل)، به صورت شناخت و معرفت (یک امر غیر محسوس و انتزاعی) درمی‌آید. تصویر ذیل گویای این مطلب است:

(شکل شماره ۵)



به دیگر سخن، در مرحله نخست با چشم سر می‌بینند و از طریق ورودی چشم، اطلاعات دریافت‌شده از امر مادی و محسوس، به صورت غیر محسوس و انتزاعی وارد حوزه ذهن (جایگاه امور انتزاعی و غیر ملموس) می‌شود سپس در آنجا به صورت شناخت درمی‌آید. یعنی از محسوسات به انتزاعیات رسیدن.

(جدول شماره ۵)

ساختار دستوری	فعل (برآی) + فاعل (الذین) + مفعول (هو الحق)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	باور کردن، به یقین رسیدن، اعتقاد داشتن
نقش معنایی	۱) شناسنده؛ ۲) شناخته‌شده؛ ۳) ذهن، وسیله شناختن

در تفسیر این آیه در المیزان آمده است، «دانشمندان و علمایی که علم خداشناسی و آیات او به آن‌ها افاضه شده است به دیده بصیرت، می‌بینند که قرآن و قیامتی که از آمدنش خبر می‌دهد به حق است و می‌بینند که این قرآن انسان را به سوی صراط خداوندی هدایت می‌نماید...». به دیده بصیرت دیدن، همان شناختی است که در ذهن به واسطه دیدن ظاهری صورت می‌گیرد.

در بین ترجمه‌های انتخاب‌شده، تنها خرم‌دل در برگردان فعل «رأی»، قالب معنایی مرکزی و معنای اساسی را ذکر کرده و بافت معنایی جدید را در نظر نگرفته است. در واقع، خرم‌دل به سان سبک قرآن عمل کرده و از فعل «دیدن» در برگردان فارسی، کاربرد استعاری و کنایه‌ای برداشت کرده است؛ البته بهتر می‌بود در پراوتز و یا در پاورقی به مفهوم نسبی آن اشاره می‌شد. الهی قمشه‌ای معادل «یقین داشتن» و بقیه «دانستن» را برگزیده‌اند.

(جدول شماره ۶)

برگرداننده	برگرداننده شده	برگرداننده به فارسی	برگرداننده شده
مکارم شیرازی	می‌دانند	پورجوادی	می‌دانند
ارفع	می‌دانند	الهی قمشه‌ای	یقین دارند
خرم‌دل	می‌بینند	صفرزاده	می‌دانند

۳-۲-۴- قالب معنایی مشاهده کردن

۱- ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾ (انعام / ۷۶)

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!» (مکارم شیرازی) در این آیه، فعل دیدن (رأى) با وجود آن‌که بر روی مفعول به مادی (کوکباً) واقع شده است اما به دلیل هدف‌مند بودن و تحت کنترل بودن فعل، از سوی فاعل (حضرت ابراهیم علیه السلام)، در برگردان فارسی، در قالب معنایی مشاهده کردن به کار می‌رود. در زمان ایشان، مردم ستاره پرست بودند. حضرت ابراهیم علیه السلام برای این‌که آن‌ها را متوجه زوال‌پذیری معبودشان کند و اثبات کند که تنها معبودی قابل ستایش است که جاوید و پایدار باشد؛ شب‌هنگام، با هدف به ستاره‌ای که در دل آسمان می‌درخشد، می‌نگرد.

در زبان فارسی، نگاه کردن اگر با هدف و کنترل‌شده از سوی بیننده باشد؛ قالب معنایی مشاهده کردن استعمال می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

(جدول شماره ۷)

ساختار دستوری	فعل (رأى) + فاعل (هو مستتر) + مفعول (کوکبا)
نوع فعل	رویدادی
قالب معنایی	دیداری
نقش معنایی	(۱) بیننده؛ (۲) دیده‌شده؛ (۳) چشم، وسیله دیدن و دیده‌شدن

از میان ترجمه‌های منتخب، تنها سه برگردان مکارم شیرازی، پورجوادی و صفارزاده معادل «مشاهده کردن» را برای فعل «رأى» برگزیده‌اند و بقیه به معادل «دیدن» بسنده کرده‌اند. درحقیقت، سه ترجمه اخیر، به تفاوت میان دیدن و مشاهده کردن در زبان فارسی توجهی نداشته‌اند.

(جدول شماره ۸)

برگرداننده	برگرداننده شده	برگرداننده به فارسی	برگرداننده شده
مکارم شیرازی	مشاهده کرد	پورجوادی	مشاهده کرد
ارفع	دید	الهی قمشه‌ای	دید
خرمدل	دید	صفازاده	مشاهده کرد

۳-۲-۵- قالب معنایی درک کردن

۱- ﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (یونس / ۵۴)

و هرکس که ستم کرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است، در اختیار داشته باشد، (همه را از هول عذاب)، برای نجات خویش می‌دهد! و هنگامی که عذاب را ببیند، (پشیمان می‌شوند؛ اما) پشیمانی خود را کتمان می‌کنند (مبادا رسواتر شوند)! و در میان آن‌ها، به عدالت داوری می‌شود؛ و ستمی بر آن‌ها نخواهد شد! (مکارم شیرازی)

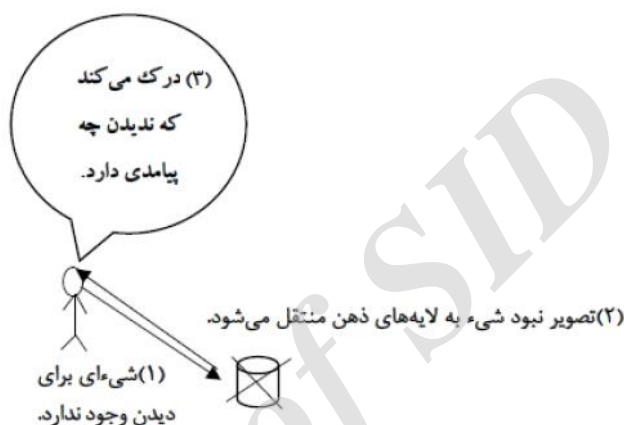
فعل «رأی» در این آیه شریفه، با توجه به مفعول به ذهنی آن، یعنی «العذاب»، قطعاً در بافت و قالب معنایی دیدنِ ظاهری به‌کار نرفته‌است. بدیهی است که امور انتزاعی مانند عذاب، نه، دیده و نه، لمس می‌شوند؛ پس مراد از دیدن، درک کردن مفهوم عذاب با تصاویر به‌جای‌مانده از تجارب فیزیکی و امور حسی به‌ویژه دیدن، در ذهن است. به بیان دیگر، انتزاعی بودن عذاب از آن جهت است که به امور مختلفی چون سلب آرامش و آسایش فرد اطلاق می‌شود. از جمله این امور عذاب‌آور می‌توان به عدم توانایی انجام کار، نبود امکانات کافی و از این قبیل امور اشاره کرد.

لازمه درکِ ذهنی، همان قالب معنایی مرکزی فعل «رأی» یعنی دیدن با چشم سر است. تا زمانی که فرد وجودداشتن شیء‌ای را نبیند قادر نیست تا عواقب نبودن آن را درک کند.^{۲۹} مثلاً وقتی شخص برای نوشتن نامه بسیار مهمی نیازمند دست، کاغذ و قلم (دو امر مادی و محسوس) است، اگر آن‌ها را در برابر خود نبیند به این نتیجه می‌رسد که نمی‌تواند طرف مقابلش را از امر مهم باخبر سازد. از این رو، عواقب مصیبت‌بار و

قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی ... _____ فرزانه حاجی‌قاسمی و نصراله شاملی

عذاب آور بی‌اطلاعی طرف مقابل را درک می‌کند. پس اول با چشم سر می‌بیند سپس بر اساس دیده خود، درک می‌کند. تصویر ذیل گویای این نکته است:

(شکل شماره ۶)



(جدول شماره ۹)

ساختار دستوری	فعل (رأی) + فاعل (ضمیر بارز واو) + مفعول (العذاب)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	درک کردن
نقش معنایی	(۱) درک‌کننده؛ (۲) درک‌شده؛ (۳) ذهن وسیله درک کردن

پنج ترجمه فارسی مکارم شیرازی، ارفع، خرم‌دل، پورجوادی و الهی‌قمشه‌ای، به قالب معنایی مرکزی فعل «رأی» بسنده کرده‌اند با این تفاوت که خرم‌دل معادل کنایی «رویاروشدن» و پورجوادی و الهی‌قمشه‌ای معادل «مشاهده‌کردن» را بدون در نظر داشتن تفاوت معنایی آن با دیدن، در زبان فارسی، برگزیده‌اند؛ اما صفارزاده در گام نخست برگردان فارسی یعنی توجه به بافت زبانی و ساختار پیوندی فعل «رأی» در آیه مذکور، خوب عمل کرده‌است و در گام بعدی یعنی ارائه معادل فارسی، یکی دیگر از حواس پنجگانه را انتخاب و مفاهیم نسبی به آن داده‌است.

بنابراین، باتوجه به قالب‌های معنایی مطرح‌شده برای فعل «رای»، ترجمه صفارزاده کاملاً متفاوت با دیگر ترجمه‌های اشاره شده است و از نگاه دانش معناشناسی شناختی، برگردان فارسی وی، درست نخواهد بود؛ زیرا آنچه از مفهوم «دیدن» به‌طور نسبی برداشت می‌شود با مفاهیم نسبی و قالب‌های معنایی «چشیدن» تفاوت دارد. درحقیقت، این تفاوت معنایی به تجربه‌هایی برمی‌گردد که انسان از هریک از حواس «بینایی» و «چشایی» کسب می‌کند.

(جدول شماره ۱۰)

برگرداننده	برگرداننده‌شده	برگرداننده به فارسی	برگرداننده‌شده
مکارم شیرازی	ببینند	پورجوادی	مشاهده کرد
ارفع	می‌بینند	الهی قمشهای	مشاهده کنند
خرم‌دل	رویارویی شدن	صفارزاده	چشید

۴- نتیجه‌گیری

۱- یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین امور حسی، فعل دیدن و نقش بارزی که در پروراندن ذهن و اندیشه انسان و چگونگی بیان مفاهیم معنوی دارد، است. از آنجایی که آیات قرآنی، حامل بسیاری از مفاهیم انتزاعی و غیرمادی هستند، از مفهوم دیدن در بافت‌های متعددی، برای بیان و انتقال چنین مفاهیمی، بهره جست‌ه است. این فعل متناسب با ترکیب‌های هم‌نشینی، قالب‌های معنایی شناختی‌ای را ارائه می‌دهد که با معنای مرکزی و سرنمونه دیدن ظاهری، ارتباط شعاعی و هم‌بستگی معنایی دارند ضمن آن‌که با یکدیگر متفاوت هستند. لذا، باید در برگردان فارسی آن، متناسب با بافت زبانی عمل کرد تا ترجمه درست و دقیق‌تری به‌دست آید.

۲- مترجم لازم است پیش از آغازکردن فرآیند ترجمه، معنای مرکزی و اساسی واژه را از دیگر قالب‌های معنایی که در اثر قرارگرفتن در یک پیوند هم‌نشینی با دیگر واژگان پیدا می‌کند، بازشناسد سپس در متن برگردان نیز، به تفاوت‌های معنایی معادل‌های برگزیده شده، دقت کافی را مبذول دارد تا سرانجام ترجمه‌ای مناسب و درخور، ارائه دهد.

۳- از بررسی قالب‌های معنایی فعل «رأی» (دیداری - ادراکی، یافتن، دانستن و شناختن، معتقدبودن و باورداشتن، درک کردن و مشاهده کردن)، در آیات منتخب و شش برگردان فارسی آنها، چنین حاصل شد که مترجمان، در بسیاری از موارد، توجه لازم و کافی را به بافت زبانی و معنای نسبی واژه «رأی» به خرج نداده‌اند و همین امر سبب گشته است تا در برگردان فارسی آیات آن‌چنان که شایسته و بایسته می‌رود، عمل نکنند. از دیگر اموری که از سوی ایشان در ترجمه، مورد غفلت واقع شده است، عنایت به تفاوت‌های معنایی میان معادل‌های فارسی مفهوم «دیدن» است. به‌عنوان مثال، میان «دیدن» و «مشاهده کردن» فرق است؛ دیدن، برخلاف مشاهده کردن یک فعل بی‌هدف و کنترل‌نشده، است.

۵- پی‌نوشت‌ها

۱- ذهن به سه ناحیه خیال، وهم و عقل تقسیم می‌شود. اطلاعات از طریق حواس پنجگانه (دیدن، شنیدن، بویایی، چشایی و لامسه) وارد ناحیه خیال شده و از آن تصویرسازی می‌کند. تصویر به دست آمده، وارد ناحیه وهم شده و در آنجا تکثیر می‌شود. سرانجام در ناحیه مرکزی ذهن یعنی قوه عقل (عالی‌ترین مرتبه)، به صورت مفهوم کلی درمی‌آید. از همین رو، تصویر و مفهوم، دو مقوله جداگانه هستند که جایگاهشان به ترتیب در ناحیه خیال و عقل است.

۲- ساختار دانش دائرةالمعارفی در زبان‌شناسی شناختی برآن است که معانی یک واژه به مانند شبکه‌ای نظام‌مند می‌باشد که هرکدام از آنها درجه و اعتباری دارد. به بیانی دیگر، برخی از معانی موجود در شبکه، مرکزی و برخی حاشیه‌ای هستند. چنین حالتی، پویایی معنای دانشنامه‌ای را می‌رساند. از این رو لانگاکر دانش دائرةالمعارفی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: دانش عرفی، دانش عام، دانش ذاتی و دانش انحصاری (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳، ص ۷۸ - ۷۷).

3- Cognitive linguistics

4- Gestalt

5- Non - Modular

6- Cognitive

۷- قوه درک و ادراک انسان از نگاه فلسفه به دو گروه کلی (در مرحله تعقل) و جزئی (در مرحله تخیل و توهم) تقسیم می‌شود.

۸- مراد از ویژگی‌های صفاتی، همان «فصل» در دانش منطق و منظور از ویژگی‌های فعلی، عملی است که از آن شیء سر می‌زند.

9- Radial Network

10- Homonymy

11- Polysemy

12- George Lakoff

13- Brugman

14- Core Meaning

15- Semantics Frame

16- Frame Semantics

17- Charles J. Fillmore

۱۸- نظریه معناسازی قالبی: معناسازی شناختی یکی از فروع زبان‌شناسی شناختی، معتقد است که بدون استفاده از فرهنگ لغت نمی‌توان معنای هر واژه را دانست. از جمله نظریه‌های معناسازی شناختی که به این مسئله بیشتر پرداخته است، نظریه چارلز فیلمور به نام «معناسازی قالبی» که در دهه ۷۰ میلادی ارائه شد (Croft & Cruse, 2004: 7). این نظریه با توجه به قالب‌های معنایی که هر واژه می‌تواند داشته باشد، نشان می‌دهد که چگونه یک واژه، معانی جدید (قالب معنایی جدید) را در بافت گفتار به وجود می‌آورد.

19- Atkins

۲۰- لازم به ذکر است که می‌توانیم از قالب‌های معنایی به معناهای تلازمی (لازمه خریدن، فروخته‌شدن است)، تضمینی (خانه را خریدم. تمام بخش‌های خانه، ضمن کلام وجود دارد) و تطابقی (مطابقت تصویر ذهنی با مصادق خارجی) رسید. دلالت‌های سه‌گانه در علم منطق برای هر واژه معرفی شده است.

21- presupposed

۲۲- در این خصوص دو دیدگاه مختلف وجود دارد. گروهی بحث مترادف واژگان را رد می‌کنند و برخی دیگر می‌پذیرند.

23- Image Schemas

24- Metaphorical Clauses

25- Mental Spaces

۲۶- گمان کرد: ظَنَّنُ؛ پنداشت: تَوَهَّمْ؛ مشاهده کرد: شَاهَدَ؛ درک کرد: أَدْرَكَ؛ یافت: وَجَدَ؛ دانست: عَلِمَ؛ شناخت: عَرَفَ؛ فهمید: فَهِمَ؛ اندیشید: فَكَّرَ؛ دقت کرد: دَقَّقَ.

۲۷- دیدوارگی اصطلاحی است که روند «تمرکز بر دیدن و دنیای دیداری در تولید معانی» را شامل می‌شود (کهنوند، ۱۳۹۰، ص ۷).

۲۸- در ترکیب عبارت «هُوَ الْحَقُّ»، هُوَ ضمیر فصل یا عماد و الْحَقُّ مفعول به دوم است (صافی، ۱۹۹۵م، ۲۰۲).

۲۹- مراد از درک کردن، به‌کار افتادن قوه ادراک فهمی انسان برای دریافت مفاهیم است.

۶- منابع

کتاب‌ها

*قرآن کریم

فارسی:

- ۱- ارفع، سیدکاظم، ترجمه قرآن، بی‌مک، (بی‌تا).
- ۲- الهی قمش‌های، مهدی، ترجمه قرآن، بی‌مک، (بی‌تا).
- ۳- پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن، بی‌مک، (بی‌تا).
- ۴- حافظ، محمدبن بهاء‌الدین، دیوان حافظ، بی‌مک، (بی‌تا).
- ۵- خرم‌دل، مصطفی، ترجمه قرآن، بی‌مک، (بی‌تا).
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی، تهران، سیروس، (بی‌تا).
- ۷- راسخ‌مهند، محمد، درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی، تهران، سمت، (۱۳۹۳ش).
- ۸- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، (بی‌تا).
- ۹- صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، (۱۳۷۹ش).
- ۱۰- _____، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران، ماد، (۱۳۷۱ش).
- ۱۱- _____، نوشته‌های پراکنده دفتر سوم زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی، تهران، علمی، (۱۳۹۱ش).
- ۱۲- کهنوند، مریم و شهاب‌الدین عادل، «فرهنگ دیداری و مفهوم دیدن»، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره ۸، صص ۱۸ - ۵ (۱۳۹۰ش).
- ۱۳- مادرشاهیان، سارا، «حذف فعل از منظر معنی‌شناسی شناختی»، فصلنامه زبان‌پژوهی، سال هفتم، شماره ۱۶، صص ۱۳۲ - ۱۰۱. (۱۳۹۴ش).
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، بی‌مک، (بی‌تا).

۱۵- منافی اناری، سالار، «رویکردی زبانشناختی به ترجمه»، *مجله زبان و زبانشناسی*، صص ۹۰ - ۷۵.

۱۶- موسوی، سید حمزه، محمد عموزاده و والی رضایی، «بررسی واژه «دیدن» براساس معناشناسی قالبی»، *جستارهای ادبی*، دوره ۶، شماره ۷، صص ۲۳۶ - ۲۱۹. (۱۳۹۴ش).

۱۷- یول، جورج، نگاهی به زبان یک بررسی زبانشناختی، ترجمه نسرین حیدری، تهران، سمت، (۱۳۹۳ش).

عربی:

۱۸- آذرنوش آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ ۱۰، تهران، نی، (۱۳۸۸ش).

۱۹- إسماعیل صینی، محمود و دیگران، *المکنز العربی المعاصر*، ط ۱، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، (۱۴۱۴ق).

۲۰- ایزوتسو، توشیهیکو، *الله والإنسان في القرآن علم دلالة الرؤية القرآنية للعالم*، ترجمه هلال محمد الجهاد، بیروت، الفكر الجديد، (۲۰۰۷م).

۲۱- سیداحمد، ناصر و دیگران، *المعجم الوسيط*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۹ق).

۲۲- صافی، محمود، *الجدول في إعراب القرآن مع فوائد نحویة هامة*، جلد ۱۱، دمشق، دارالرشید، (۱۹۹۵م).

۲۳- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان في تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۲ق).

۲۴- _____، *المیزان في تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (۱۴۱۷ق).

۲۵- مصطفی، ابراهیم و دیگران، *معجم الوسيط*، الجزء الأول، طهران، مؤسسة الصادق للطباعة والنشر، (۱۴۲۹ق).

۲۶- معلوف، لويس، *المنجد في اللغة*، تهران، اسلام، (۱۳۸۶ش).

لاتین:

27- Croft, William and D. Alan Cruse, *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press. (2004)

28- Evans, Vyvyan and Melanie Green, *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh University Press. (2006)

قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی ... _____ فرزانه حاجی قاسمی و نصراله شاملی

29- Langacker, Ronald, *Foundation Of Cognitive Grammar*, Volume I. Stanford, CA: Stanford University Press. (1987)

30- Sturken, M. & Cartwright, L. *Practices of Looking: An Introduction to Visual Culture*. Oxford University Press, New York. (2001)

پایگاه اینترنتی:

31- www.almaany.com

Archive of SID